



دتمار هوختینگ

موتسارت

یک زندگینامه چندوجهی

ترجمه
دنسا میرکتوی

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

Huchting, Detmar, 1954	هوختینگ، دتمار، ۱۹۵۴ - م.	سرشناسه:
موتسارت: یک زندگینامه چندوجهی / نوشه دتمار هوختینگ؛ ترجمه دنیا میرکتولی	عنوان و نام پدیدآور:	عنوان دیگر:
تهران: اطلاعات، ۱۳۹۸	مشخصات نشر:	موضوع:
۱۴۴ ص: مصور (بخشی زنگی)	مشخصات ظاهری:	موضوع:
978-600-435-121-8	شابک:	ردیفه کنگره:
	وضعیت فهرست نویسی: فیبا	شناسه افزوده:
Mozart: a biographical kaleidoscope, 2006	عنوان اصلی:	شناسه افزوده:
یک زندگینامه چندوجهی	عنوان دیگر:	ردیفه کنگره:
موتسارت، ولفگانگ آمادئوس، ۱۷۵۶ - ۱۷۹۱ م - سرگذشت‌نامه Mozart, Wolfgang Amadeus-Biography	میرکتولی، دنیا، ۱۳۶۲ - ، مترجم	ردیفه کنگره:
	مؤسسه اطلاعات	ردیفه کنگره:
	ML ۴۱۰	ردیفه کنگره:
	۷۸۰/۹۲۴	ردیفه کنگره:
	شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۸۰۳۴۱	ردیفه کنگره:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۱۱، ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱

تلفن: ۰۹۹۹۳۴۵۵-۶

تلفن دفتر توزیع و فروش: ۰۹۹۹۳۲۴۲

فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه حقانی، رو بروی ایستگاه مترو ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۰۹۹۹۳۶۰۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رو بروی دانشگاه تهران، تلفن: ۰۹۹۹۳۶۰۷۲۴

۰۶۴۶-۰۷۲۴

هو تسلیت یک زندگینامه چندوجهی

نوشته دتمار هوختینگ

ترجمه دنیا میرکتولی

صفحه آرا: زهره حلوانی

طراح جلد: رضا گنجی

دروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

شماره ۵۲۵: نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۲۱-۸

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

یادداشت

سرور ارجمند، آهنگسازِ امپراتوری سلطنتی و مجلسی
ولفگانگ آmadئوس عزیز!

دنیا ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۶، دویست و پنجاهمین سالروز تولد شما را جشن گرفت و این برای یادبودتان بهانه بسیار بهتری بود از اینکه دنیا بخواهد پانزده سال پیش از آن، به مناسبت دویستمین سالمرگтан از شما یاد کند. از زمان پایان زندگی کوتاه شما که کمتر از سی و شش سال طول کشید، مردم هرگز دست از شور و اشتیاق برای موسیقی شما برنداشته‌اند. یگانه دلیل موجه نیز آن است که شما واقعاً محبوب‌ترین آهنگسازید. اما شخصیت شما به خلق افسانه‌های بسیار گوناگونی کمک کرده است. «دلبند درخشان خدایان» و «کودک شوریده جاودانه» القابی کلیشه‌ای بودند که سخت می‌شد آنها را کنار گذاشت. شما حتی تبدیل به ستاره سینما و موسیقی شده‌اید. اما انسانی که ورای خالقِ موسیقی به غایت زیبای شما پنهان شده، کمتر مورد پرسش واقع شده است. در عوض، همه کلیشه‌ها با برچسب‌های ظاهرآ متناسبی که برایتان پیدا کردند، بی‌درنگ و به آسانی به

۶ موتسارت یک زندگینامه چندوجهی

شما چسبانده شدند. این روند تا نیمة دوم قرن بیستم که این معضل بهبود یافت، ادامه داشت.

این کتاب ادعا نمی‌کند که یک زندگینامه است، بلکه قصیدش بیشتر آن بوده که مردی به نام ولفگانگ امده (همان‌گونه که خودتان را می‌نامیدید) را در دوران خود و نیز با همهٔ پیچیدگی اش تصویر کند. شما به عنوان یک نابغه، تمام بیست و چهار ساعت شباهنگ روز مشغول به کار نبودید. استعداد ژرف شما در موسیقی نه تنها بر سایر جنبه‌های هستی بشری سایه انداخته، بلکه باعث شده مردی که پشت آن موسیقی است، ناپدید شود؛ مردی که علاقهٔ ما را تا امروز برانگیخته و شورانده است. نگاه به گنجینه گرانبهای موسیقی که شما برای بشریت به میراث گذاشته‌اید، دیگر دلیلی برای گریز به قلمرو اساطیر و افسانه‌ها باقی نمی‌گذارد.

در این کتاب مراحل مختلف زندگی شما با تصاویر و متن‌هایی گوناگون، همچون شهر فرنگ به تصویر درآمده است. دلمان می‌خواهد خواننده این کتاب را همراه با گونه‌های متنوع موسیقی شما به سفری اکتشافی به درون زندگی تان ببریم؛ سفری که با در اختیار داشتن گنجینه‌های بی‌مانند زیبایی و حقیقت، یک عمر به درازا می‌کشد.

کارل بارت استاد بزرگ الهیات گفته است: «شاید وقتی فرشتگان می‌زوند تا ستایش پروردگار را به جای آورند، تنها باخ می‌نوازند. اما ایمان دارم که آنها در ضیافت خانوادگی شان موتسارت می‌نوازند.»

حال هر چند مسروطیم از اینکه باید به موسیقی برتری که اینجا بر زمین برایمان به یادگار گذاشته‌اید قناعت کنیم، همچنان دربارهٔ موسیقی‌ای که برای ارکستر فرشتگان تصنیف می‌کنید، کنجه‌کاویم.

درودها بر شما همراه با عشق و تحسین مدام

نویسنده و ویراستاران



ولفگانگ آمادئوس (امده) موتسارت

اثر اف. فورستر در سال ۱۸۳۹، پس از گراورسازی با سیاه قلم توسط دوروتوی (دورا) استاک در سال ۱۷۸۹

Wolfgang Amadeus Mozart

آخرین پرتره موتسارت که به مدت دویست سال ناپدید شده بود

سال ۱۹۳۴ موزه «گمالده گالری» برلین پرتره‌ای از مردی برازنده و خوشلباس به ارزش ششصد و پنجاه رایش‌مارک پیدا کرد. این تصویر به عنوان «پرتره جتلمن بی‌نام» در مجموعه‌ای گردآوری شده بود. تجزیه و تحلیل سبک و سیاق نقاشی به شناسایی خالق اثر که یوهان گنورگ ادلينگر (۱۷۴۱-۱۸۱۹) نقاش دربار باواریا بود، منجر شد. شهرت و آوازه بلند او به عنوان یک پرتره‌نگار به کنار؛ حکایت این نقاشی برای بیش از شصت سال در آرشیو مجموعه «بنیاد میراث فرهنگی پروس» (که بعدها طبقه‌بندی شد) مسکوت مانده بود.

سال ۱۹۹۴ ولفگانگ سیلر دانشمند علوم رایانه اهل اتوبرون نزدیک مونیخ، همراه با برادرش تعدادی نقاشی پرینت شده از کارهای جد مادری شان یوهان گنورگ ادلينگر را تورق می‌کرد. برادر بزرگتر که مانند باقی اعضای خانواده به موسیقی علاقه‌مند بود، وقتی به پرتره «مردی با کت سبز» می‌نگریست، پس از اندکی مکث فریاد زد: «درست شبیه موتسارت است!» برادر کوچکتر که شگفت‌زده شده بود، با استفاده از مهارت‌هایش در علم کامپیوتر شروع به بررسی پرتره کرد. او این تصویر را با پرتره بی‌نامی که در سال ۱۷۷۷ کشیده شده بود، مقایسه کرد. خانواده موتسارت همان سال به «آکادمی فیلامونیک بولونیا» فرستاده شده بودند



ولفگانگ آمادئوس موتسارت. تابلو اثر یوهان گنورگ ادلینگر است و در سال ۱۷۹۰ کشیده شده است.

(ولفگانگ شش سال قبل تر به عضویت این آکادمی درآمده بود). این همان پرتره‌ای بود که لئوپولد موتسارت آن را با عنوان «به‌سان واقعیت محض» توصیف کرده بود. گرچه بین این پرتره‌ها سیزده سالی فاصله افتاده بود که قابل توجه بود و طی این سال‌ها موتسارت کاملاً اضافه وزن پیدا کرده بود، اما هم نقاشی ادلینگر و هم گزارش‌هایی از سوی معاصرین موتسارت در سال‌های آخر دهه ۱۷۸۰ این واقعیت را اثبات می‌کرد. تحقیق و بررسی سیلر برخی از شباهت‌های حیرت‌آور را آشکار می‌کرد؛ حالت ایستادن و شکل بینی و دهان، گواهی بر این مدعای بود. علاوه بر این، خصوصیات خاص چهره موتسارت به وضوح مشخص بود و مهر تأیید نهایی را می‌زد؛ چشم چپ موتسارت اندکی درشت‌تر و ابروی راست او مشخصاً نازک‌تر بود.

ادلینگر این پرتره را احتمالاً طی سفر بازگشت موتسارت از کنسرتی ناموفق در فرانکفورت که به مناسبت تاجگذاری امپراتور لئوپولد دوم در سال ۱۷۹۰ ترتیب داده شده بود، کشیده بود. موتسارت سفر خود را با توقف در مسافرخانه «شوارتزر آدلر» در خیابان «کافینگراشتراسه» مونیخ به وقه انداخت. آنجا، هم محل مرسومی برای ملاقات هنرمندان بود و هم از جمله اقامتگاه‌های مورد علاقه موتسارت طی سفرهایش به پایتخت باواریا به شمار می‌رفت. ادلینگر که در سال ۱۷۷۱ به مونیخ نقل مکان کرده بود، مرتباً به «شوارتزر آدلر» رفت و آمد داشت. از این گذشته، استودیوی او چندان فاصله‌ای با مسافرخانه نداشت. از این رو کاملاً محتمل است که این دو مرد در اوایل ۱۷۸۰ یا ۱۷۸۱ همینجا یکدیگر را ملاقات کرده باشند؛ زمانی که موتسارت به مدت چندین ماه به مناسبت نمایش «ایدومنیو» در مونیخ مانده بود.

در واقع مدارک بیش از حد قانع‌کننده به نظر می‌رسد. این پرتره

موتسارت یک زندگینامه چندوجهی ۱۴۳

تنها یک سال پیش از مرگ آهنگساز تصویر شده است؛ یک موتسارت خوشبوش که به مالبخند می‌زند (موتسارت در مکان‌های عمومی همیشه لباس‌های زیبا و برازنده می‌پوشید)، کتش متناسب با اندام اوست و به شکمش چسبیده است (موتسارت عاشق غذاهای خوشمزه بود)، گیسوان آرایش‌کرده و صورت پودرزده در هر دو نقاشی با همان دقیق و وسوسان انجام شده و افتخار موتسارت به موهایش به وضوح نمایان است. او با چشم‌پوشی از مدروز، کلاه‌گیس به سر نمی‌گذاشت؛ اما خود را به دست آرایشگری می‌سپرد که هر صبح ساعت ۶ احضار می‌شد تا موهای او را سر و سامان دهد. با وجود اینکه پرتره روی هم رفته ظاهر خوشایندی دارد، تعدادی نشانه‌های بدشگون نیز در آن آشکار است؛ ورم‌های پایین چشم و تا حدودی ظاهر پف‌کرده صورت، علائم ظاهري بیماری مهلك کلیه است که در ترکیب با خونریزی‌های مکرری که بیمار را ضعیفتر می‌کرد، تنها یک سال بعد به زندگی او پایان داد.



MOZART

A BIOGRAPHICAL KALEIDOSCOPE

DETMAR HUCHTING

TRANSLATED BY

DONYA MIRKATOULI



انتشارات اطلاعات

ISBN: 978-600-435-121-8



9 78600 351218

تهران: میرداماد، نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات

۱۵۹۹۰۵۳۱۱

شماره پستی:

۱۹۹۹۷۴۵-۶

تلفن:

۱۹۹۹۳۲۲

پخش و فروش:



مرکز موسیقی بتهوون شیراز